

ولادت آخرین منجی بشریت در روایات

صدها روایت از پیامبر و امامان در کتب روایی وارد شده که مهدی(عج) دوازدهمین امام فرزند امام عسکری(ع) و نهمین فرزند امام حسین(ع) است.



صدها روایت از پیامبر و امامان در کتب روایی وارد شده که مهدی(عج) دوازدهمین امام فرزند امام عسکری(ع) و نهمین فرزند امام حسین(ع) است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، حضرت حجت بن حسن عسکری(عج) نیمه شعبان سال 255 هجری در سامرا دیده به جهان گشودند، نام ایشان مهدی و کنیه‌اش ابوالقاسم است، ایشان از فرزندان حضرت زهرا(س) و از اولاد امام حسین(ع) و فرزند بلافضل امام حسن عسکری(ع) است، مادرش کنیزی به نام نرجس، صیقل و سوسن است، با توجه به اینکه شیعه معتقد به ولادت آخرین ذخیره الهی در سال 255 هجری است، اما با این وجود برخی مذاهب و افراد از جمله احمد کاتب در تحقق ولادت امام زمان(عج) و اسناد تاریخی آن شبهه کرده‌اند و گفته‌اند با توجه به اینکه روایات مهم و ضعیفی که در این نقل‌ها وجود دارند، اساساً تولد حضرت مهدی(عج) یک پنداری بیش نیست؟

برای پاسخ به این شبهه نظر مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم را جویا شدیم که در ادامه می‌آید:

این گونه شبهات با وجود واهی بودن آن نیازی به پاسخ دادن ندارد، اما علما و دانشمندان بزرگ شیعه و محققان اندیشمند ما با کرامت و بردباری در دفاع از حریم مقدس امامت و در راستای روشنگری اذهان عامه مسلمانان به تفصیل پاسخ داده و کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشته‌اند، از جمله کتاب «الامامة و المهدي في تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه» که به پاسخ و رد تفصیلی و کلمه به کلمه شبهات احمد کاتب توسط محقق ارجمند آقای سیدثامر هاشم العمیدی نوشته شده است و نیز در کتاب «در انتظار ققنوس» ترجمه فارسی، «المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی» از همین نویسنده، به طور مستدل و لو اجمالی به این گونه شبهات پاسخ داده شده است که می‌توان برای رسیدن به پاسخ جامع و تفصیلی به کتاب‌های یاد شده مراجعه کرد.

اثبات ولادت هر فردی نخست با اقرار و اعلام پدر وی و شهادت دادن قابله‌ای صورت می‌پذیرد که در به دنیا آمدن نوزاد، مددکار مادر بوده است، هر چند هیچ کس غیر از این دو او را مشاهده نکرده باشد، چه رسد به اینکه صدها تن دیگر نیز وی را دیده باشند و تاریخ‌نگاران به ولادت او اعتراف کرده و متخصصین علم الانساب به نسب شریفش تصریح کرده باشند و خود وی به اموری مبادرت ورزیده باشد که نزدیکانش به آن‌ها وقوف یافته‌اند و تعلیمات، سفارش‌ها، راهنمایی‌ها، نصیحت‌ها، نامه‌ها، توقیعات، دعاها، سخنان مشهور و اخبار منقولی از ایشان صادر شده باشد و وکیلان وی از صلحا و اوتاد، معروف و سفیران او معلوم و معین باشند و در هر عصر و در میان هر نسلی میلیون‌ها نفر پیرو داشته باشد و به شهادت مسلم تاریخ، حکام وقت برای دستگیری و بازداشت او تمام تلاش و سعی خود را به کار گرفته‌اند، آیا معرضان آگاه و یا نویسندگان بی‌اطلاع از حقایق و مسلمات تاریخی، برای اثبات ولادت امام مهدی(عج) به دلایلی بیش از این نیازمندند؟

تو سروری و فرزند و برادر سرور، تو امامی و فرزند و برادر امام، تو حجتی و پدر حجت، تو پدر نه حجتی که نهمین آنان قائم‌شان خواهد بود

در اینجا نویسندگانی همچون احمد کاتب و افرادی مانند او به این پرسش مهم باید پاسخ دهند که ده‌ها و بلکه صدها روایتی که از رسول خدا(ص) و امامان معصوم شیعه در کتب روایی شیعه و سنی وارد شده که مهدی(عج) دوازدهمین خلیفه و امام و نهمین فرزند امام حسین(ع) و او فرزند امام حسن عسکری(ع) است، اگر حضرت مهدی متولد نشده و تولد او یک افسانه است، پس دوازدهمین امام که نهمین فرزند امام حسین(ع) و فرزند امام حسن عسکری(ع) است، کجا است؟ آیا نبی مکرم اسلام(ص) که به تصریح قرآن «ما یطق عن الهوی» در خبر دادنش، نستجیربالله صادق نبوده است؟! گمان نمی‌رود که احمد کاتب و امثال او چنین جسارتی کرده و گناه نابخشودنی چنین نسبتی را به دوش کشند.

لازم است پیش از آنکه به بیان روایات، شواهد و قرائن مسلم تاریخی ولادت امام عصر(ع) بپردازیم، به نمونه‌هایی از روایاتی بپردازیم که به روشنی دلالت دارند بر اینکه امام مهدی(عج) دوازدهمین امام و نهمین فرزند امام حسین است:

1. از سلمان فارسی و ابوسعید خدری و ابویوب انصاری و ابن عباس و علی هلالی با الفاظ متفاوت از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمود: «ای فاطمه به ما اهل بیت(ع) شش خصلت داده شده که به هیچ یک از اولین داده نشده و هیچ یک از آخرین هم

آن را دریافت نخواهد کرد، مگر ما خاندان... و مهدی این امت که عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، از ماست»، سپس بر شانه حسین(ع) زدند و فرمودند: «مهدی امت از نسل این خواهد بود» و نیز قندوزی از مناقب خوارزمی از سلمان فارسی نقل می‌کند: بر رسول خدا(ص) وارد شدم، در حالی که حسین بن علی(ع) بر ران پیامبر اکرم(ص) نشسته بود و پیامبر چشمان و دهان وی را می‌بوسید و می‌فرمود: «تو سروری و فرزند و برادر سرور، تو امامی و فرزند و برادر امام، تو حجتی و پدر حجت، تو پدر نه حجتی که نهمین آنان قائم‌شان خواهد بود».

مجموعاً بیش از 240 حدیث که دلالت صریح دارد بر اینکه مهدی(عج) دوازدهمین امام و نهمین فرزند امام حسین(ع) است، در کتب متعدد روایی نقل شده که قسمت عمده آن صحیح و معتبر است.

2. از امام باقر(ع) نقل شده که فرمود: از ما (اهل بیت) 12 (امام و) محدث خواهد بود که هفتمین فرزندم قائم آنان است...»، بالغ بر 103 حدیث دلالت بر این معنا دارد.

چهارمین فرزندم، فرزند سرور کنیزان که خداوند به واسطه او زمین را از جور و ظلم پاک خواهد کرد و اوست کسی که مردم در ولادت او شک خواهند کرد

3. از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: ششمین فرزندم که دوازدهمین امام از ائمه دوازده‌گانه که اولشان علی بن ابیطالب و آخر آن‌ها قائم‌الحق و بقیة‌الله و صاحب‌الزمان است، غائب خواهد شد، او از دنیا نخواهد رفت تا اینکه ظهور کند و زمین را آکنده از قسط و عدل کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است، بیش از 80 روایت دلالت بر این مطلب دارد.

4. از امام کاظم(ع) نقل شده که در پاسخ یونس بن عبدالرحمن که از آن حضرت پرسید: آیا شما قائم‌الحق هستید؟ فرمود: من قائم‌الحق هستم و لکن آن قائمی که (منظور شما است یعنی مهدی که) زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می‌گرداند و آن را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که از ستم و جور پر شده است، او پنجمین فرزند من است که غیبت طولانی خواهد داشت... که در این غیبت طولانی گروه‌ها و اقوامی گرفتار ارتداد شده و عده‌ای نیز ثابت قدم می‌مانند...، بیش از 95 روایت در این باره وارد شده است.

5. از امام رضا(ع) نقل شده که در پاسخ به این سؤال که قائم (مهدی) از شما اهل بیت کیست؟ فرمود: چهارمین فرزندم، فرزند سرور کنیزان که خداوند به واسطه او زمین را از جور و ظلم پاک خواهد کرد و اوست کسی که مردم در ولادت او شک خواهند کرد...، بیش از 90 روایت تصریح به این معنا دارد.

6. از امام جواد(ع) نقل شده که فرمود: (قائم) سومین فرزند من است و نیز از آن حضرت(ع) نقل شده که فرمود: امام بعد از من فرزندم علی است که امر او امر من است و قول او قول من و طاعت او طاعت من است، راوی می‌گوید سپس امام ساکت ماند، از او پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، امام بعد از فرزندان علی کیست؟ فرمود: فرزندش حسن، راوی می‌گوید: از او پرسیدم امام بعد از حسن کیست؟ امام جواد(ع) گریه شدید کرد و سپس فرمود: به درستی که امام بعد از حسن، فرزندش قائم به حق و منتظر است، راوی می‌گوید به امام(ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می‌نامند؟ فرمود: به خاطر اینکه قیام می‌کند بعد از فراموش شدن یادش و مرتد شدن بیشتر کسانی که قائل به امامت او بودند، راوی می‌پرسد: چرا او را منتظر می‌گویند؟ فرمود: چون او دارای غیبت طولانی خواهد بود که مخلصین انتظار ظهورش را می‌کشند و اهل تردید و شک منکر وجود او می‌شوند و معاندین و انکارکنندگان (حق) اعتقاد به او و غیبت او را به مسخره می‌گیرند، حدوداً 70 حدیث بر این معنا دلالت دارد.

7. از امام علی بن محمد الهادی(ع) نقل شده که فرمود: امام بعد از من فرزندم حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است، همان کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که از ظلم و ستم پر شده است، بیش از 80 روایت به الفاظ و مضامین مختلف بر این مطلب دلالت تفصیلی و یا اجمالی دارد.

8. بیش از 140 روایت دلالت دارد که امام مهدی(عج) فرزند بلافضل امام حسن عسکری(ع) است و دوازدهمین امام شیعیان که فقط به یک روایت بسنده کرده و مطالعه بقیه روایات را بر عهده حق‌جویان تلاشگر و اگذار می‌کنیم:

قندوزی حنفی از امام رضا(ع) نقل می‌کند که فرمود: امام پس از من فرزندم محمد و بعد از محمد فرزندش علی و بعد از علی فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است.

این روایاتی است که در آن‌ها رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) پیش از ولادت امام زمان(عج) از آن به تفصیل خبر داده‌اند

و امام عصر مهدی موعود را با اصل و نسب معرفی کرده‌اند و اینک یک نگاه گذرا به دلایل و شواهد روشن تحقق این امر موعود یعنی ولادت آن حضرت می‌اندازیم و بحث از این امر مهم را در ضمن نکاتی خلاصه و کوتاه پی می‌گیریم:

الف) تصریح امام عسکری(ع) به ولادت فرزندش مهدی(ع): در روایت صحیحی از محمد بن یحیی العطار از احمد بن اسحاق از ابوهاشم جعفری چنین نقل شده است: به ابومحمد(امام حسن عسکری) عرض کردم: شخصیت شما مرا از سؤال کردن باز می‌دارد، آیا اجازه می‌فرمایید که از شما سؤالی کنم؟ فرمود: بپرس، عرض کردم: آقای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری، عرض کردم: اگر برای شما حادثه رخ داد در کجا سراغ او روم؟ فرمود: مدینه.

در روایت صحیحی دیگری از علی بن محمد بن محمد از محمد بن علی بن بلال این گونه نقل شده است: از طرف ابومحمد(امام عسکری(ع)) دو سال قبل از شهادت آن حضرت به من پیغامی رسید که از جانشین بعد از خود مرا مطلع ساخت و بار دیگر سه روز پیش از شهادت پیغام دیگری به من رسید که در آن مرا از جانشین خویش آگاه ساخت.

ب) شهادت دادن قابله به ولادت امام مهدی(عج): قابله بزرگوار و شریف آن حضرت، علویه حکیمه خاتون خواهر امام هادی(ع) و عمه امام عسکری(ع) بود که در هنگام ولادت به جناب نرجس خاتون مادر ارجمند امام مهدی(عج) رسیدگی کرد، شکی نیست که در ولادت امام عصر(عج) نکات غیر عادی وجود دارد و برای حکیمه خاتون که یک بانوی معتقد و مخلص بود، نیز موجب ایجاد سؤال شده، اما در خود همین روایات که از حکیمه خاتون نقل شده پاسخ داده شده و کاملاً روشنگری شده است، چنانچه امام عسکری(ع) در پاسخ به این سؤال او که گفت من آثار بارداری را در نرجس خاتون نمی‌بینم، فرمود: مثل او مثل مادر موسی(ع) است که آثار بارداری در او ظاهر نگشت و کسی تا وقت ولادتش از آن آگاه نشد (با اینکه باردار بود)، زیرا فرعون در جستجوی موسی، شکم زنان باردار را می‌شکافت و این نیز نظیر موسی(ع) است.

در جامعه مسلمانان، کسی به جز زنان قابله بر جریان ولادت‌ها اطلاع نمی‌یابند و هر کس این مطلب را انکار کند، در مورد جریان ولادت خودش چه خواهد گفت؟

بی‌تردید حکام عباسی با توجه به اطلاع قبلی که از طریق روایات داشتند، در پی نابودی امام بودند نگاه داشتن امام عسکری(ع) در پادگان نظامی سامرا دلیل قاطع این ادعا است، به هر حال حکیمه خاتون به ولادت آن حضرت تصریح کرده است. البته عده‌ای از زنان و خدمه امام عسکری مانند: ماریه و نسیم خادمه و نیز کنیز ابوعلی خیزرانی که او را به امام عسکری(ع) هدیه کرد، آن چنان که راوی ثقه محمد بن علی بن یحیی بدان اشاره کرده است، به حکیمه خاتون در کار قابله‌گی کمک کردند.

بدیهی است که در جامعه مسلمانان، کسی به جز زنان قابله بر جریان ولادت‌ها اطلاع نمی‌یابند و هر کس این مطلب را انکار کند، در مورد جریان ولادت خودش چه خواهد گفت؟! امام حسن عسکری(ع) بر طبق سنت شریف نبوی برای فرزند خود عقیقه کرد و به دستور امام(ع) میان بنی‌هاشم تقسیم کردند.

ج) یاران و اصحاب ائمه(ع) که به دیدار امام مهدی(عج) شهادت داده‌اند:

عده‌ای از اصحاب امام عسکری(ع) و پدر بزرگوارش امام هادی(ع) در زمان حیات امام عسکری، به زیارت امام مهدی(عج) نائل شده و به اذن ایشان بدین مطلب شهادت داده‌اند، همچنان که گروه دیگری به ملاقات با امام پس از حیات امام عسکری(ع) نیز شهادت داده‌اند که در دوران غیبت صغری (یعنی سال‌های 260 هجری تا 329 هجری) اتفاق افتاده است، از آنجا که تعداد این شاهدان زیاد است از ذکر نام و تفصیل آن خودداری می‌کنیم.

د) شهادت خدمه، کنیزان و غلامان به رؤیت امام مهدی(عج): افرادی که در خانه امام عسکری(ع) مشغول خدمت بودند به همراه برخی کنیزان از جمله کسانی بودند که امام مهدی(عج) را ملاقات کردند، مانند خدمتکار منزل طریف خادم و خادمه ابراهیم بن عبده نیشابوری که همراه آقای خود، به زیارت چهره مبارک امام نائل گشت و ابوالادیان خادم و ابوغانم که می‌گوید: خداوند به ابومحمد عسکری(ع) پسری عطا فرمود که نامش را محمد گذارد و سه روز پس از ولادتش طفل را به اصحاب و یاران خود نشان داد و فرمود: این ولی امر شما پس از من است، او خلیفه من بر شما است، او همان کسی است که گردن‌ها در انتظار او کشیده خواهد شد و هنگامی که که زمین از ظلم و ستم پرگردد، او قیام کرده و آن را از عدل و داد پرخواهد کرد.

ه) اعتراف تبارشناسان به ولادت امام مهدی(عج): از جمله مسائلی که بدیهی به شمار می‌رود، ضرورت مراجعه به متخصصان و خبرگان فن در هر حرفه است و در مورد بحث ولادت امام مهدی(عج) نیز قاعدتاً علمای انساب بهتر از دیگران حق اظهارنظر دارند، نسابه شهیر ابونصر سهل بن عبدالله داود بن سلیمان بخاری؛ وی که از بزرگان قرن چهارم هجری بوده در سال 341 هجری در قید حیات به سر می‌برده و از مشهورترین علمای انساب معاصر با غیبت صغری امام مهدی(عج) است، وی در این

زمینه می‌گوید: علی بن محمد التقی دارای فرزندی به نام حسن بن علی عسکری شد، از ام ولدی نوییبه به نام ریحانه که این فرزند ولادتش به سال 231 هجری واقع گشت و وفاتش در سال 260 هجری در 29 سالگی در سامرا اتفاق افتاد و علی بن محمد تقی دارای فرزندی به نام جعفر شد که شیعه او را جعفر کذاب می‌خوانند، به جهت آنکه خود را وارث برادرش حسن بن علی عسکری می‌دانست و فرزند برادرش (یعنی حجت قائم) را وارث او نمی‌شمرد، باری ابهام و اشکالی در نسب وی وجود ندارد، سید عمری نسابه معروف قرن پنجم هجری وی چنین می‌نویسد: ابومحمد (امام عسکری) وفات یافت و پسرش از نرجس نزد اصحاب خاص و معتمدین اطرافیانش معلوم و مشخص بود....

فخررازی شافعی (م 606 هجری) می‌گوید: امام حسن عسکری (ع) دارای دو پسر و دو دختر بود، یکی از آن دو پسرش صاحب الزمان (عج) و دیگری موسی نام داشت که در زمان حیات پدر از دنیا رفت و اما دو دختر ایشان، یکی فاطمه است که در زمان حیات پدر مرد و دیگری ام موسی که او نیز وفات یافت و نیز نسابه‌های معروف دیگر مانند: مروزی ازورقافی و سید نسابه جمال‌الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنبه و نسابه زیدی سید ابوالحسن یمانی صنعانی و محمد امین سوئدی و دیگران که بر اساس تخصصشان تصریح به این امر کرده‌اند.

راستی کدام قضیه تاریخی دلایل، شواهد و قرائن قطعی بیش از آنچه درباره ولادت امام زمان (عج) وجود دارند، دارد؟ اگر ولادت حضرت مهدی (عج) با وجود همه این دلایل و شواهد قابل اثبات نباشد، معنایش این است که هیچ قضیه در تاریخ قابل اثبات نباشد، حال که بر اساس آنچه در نوشتار فقط اشاره به آن شد، از دلایل، شواهد، قرائن و اعترافات اگر افراد مانند احمد کاتب و امثال او همچنان بر انکار خود اصرار ورزند، باید به یکی از امور ذیل ملتزم شوند:

1. اینکه با صحیح دانستن همه این روایات، شواهد و اعترافات اهل فن و یا حداقل برخی آن‌ها، آن‌ها را طرد کرده و با مسلمات تاریخی به مبارزه برخیزند و به ویژه در بخش روایات در حقیقت کلام پیامبر خدا را رد کنند، بدیهی است که آنان و هر آدم عاقلی ملتزم به این امر نمی‌شوند.

2. اینکه همه این روایات و دلایل تاریخی را صحیح ندانسته و رد کنند و رد کردن روایات زیاد و متواتری که خیرگان اهل حدیث آن‌ها را صحیح دانسته و مورد توجه قرار داده‌اند و نیز انکار این همه اسناد، دلایل و شواهد تاریخی، بدون برهان و دلیل منطقی نوعی عناد و لجاج با حقیقت است نه یک شبهه علمی و تاریخی.

3. اینکه امام حسن عسکری (ع) زنده و غایب است تا زمانی که خداوند مقدر کرده است فرزندی از او در آینده به نام مهدی موعود متولد شود، بدیهی است آنان به این امر نمی‌توانند ملتزم بشوند، زیرا اولاً به شهادت قطعی تاریخ امام حسن عسکری (ع) در سال 260 هجری از دنیا رفته‌اند و ثانیاً اگر اینان بپذیرند که امام حسن عسکری (ع) زنده‌اند، چگونه زنده بودن حضرت مهدی (عج) را استبعاد و انکار می‌کنند با اینکه «حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد».

4. اینکه امام حسن عسکری (ع) از دنیا رفته، ولی هر وقت خداوند مقدر کند، زنده شده و سپس دارای فرزندی به نام مهدی می‌شود، این امر هر چند ذاتاً ممکن است و از قدرت مطلقه خداوند دور نیست، ولیکن اولاً این همان رجعت است که احمد کاتب و امثال او منکر آن هستند؟ و ثانیاً لازمه آن عدم وجود امام در زمان طولانی است که مخالفت با روایت متواتری که شیعه و سنی نقل کرده که «من مات و لم یعرف امام زمانه...» است.

پس راهی جز اینکه بگوییم امام مهدی (عج) متولد شده و بر اساس مصالح و حکمت الهی در غیبت به سر می‌برد، وجود ندارد. بر اساس آنچه گفته شد روشن شد که اساساً اثبات تولد امام مهدی (عج) وابسته به حدیث مورد نظر آقای کاتب نیست تا با نفی آن تولد امام مهدی (عج) نیز نفی شود گر چه این حدیث نیز قابل دفاع است که در جای خود باید به آن پرداخت.